

دانشگاه تهران ۱۹۷۵-۷۶

موضوع: آرای

در بیان اشعار عربی آنها - سالم و کجیب بنی است - در اشعار عجم از زبان کلمه  
و سادگی عرب از شوارب عجم و نادر کلمه «

« گفتند گفتیم هم فواصی از عجم! (امروز است!)

درفش تیره

«... در بیان شوارب عجم ضد تقریب در فنی تیره و وصف قابل نام بردار نیستند

که یکی از آنها رودکی در دیوان خود در شهر دافغان است - مخصوصاً فردوسی و

شهر در فنی تیره و وصف طبعی در عمارت شوارب بزرگ عرب و ادب بزرگ

زبان محوی گویند»

«مخالف مضامین اشعار او (منوچهر) از شوارب قدیم عرب آنگاه است»

شوارب نفس به از شوارب باله مازنی + بیه ناراذل به از شوارب انگلیز صفت

(منوچهر) ۳۵۰

قسم سوم اشعار روانی است - قصه سوز، رمال نویسی و دایره

در این قسمت هم اگر صفت - فرق دیگر در فنی است در حقیقت جامع تمام فنی - عواید

تأثیر محیط در ادبیات ۲۰۲

ماه یک ملت فقر از اثر محیط فقر، فقر را نند و ماه از  
اثر مان محیط در پی تحصیل پایه و علم و آینه در معر از برق و مادر خود را  
و شایسته مکتب از درد در ماندگی نماند سینه

در فتنه نصرت خون من موافق یک تقدیر شش (نفس و کس محمد رفیق) مطهر  
اروپا از رخ و رف مسور و حالت حاله قطب شمال و قوت اعظم و قطب جنوب را  
دارا و مملکت ایران و تمام قوت اساسی و قوت شمال افریقا کجاست حاله اروپا  
نفس سرد سردی و کفایت در دمان این را درین بسبب گمبای حواست بر امثال ال اروپای  
امروزه بحر بی دعی و دارا ارتقا و قوت دگر و مشغول و در اثر دافراغ و در بر زندگی  
بوده اند کم کم آفتاب - جاننا - نور لطف خود را در همه رخاست و سائها لطف  
آنان برگردانده اگر و وفور نعت و در کرامت الاصاب - آنان راست اعضا  
می و کت از کار آنان را لطف نلفه و در پوما - سینه (استبر و عقل و کن بودن  
که خانه ال گرم سرد دمان مکر نفاست طبعاً آنا را اعطای نمونه و ...  
دمحیط تا ها در ککن ایردین طومان سینه اروپا انفعال مانک

تأثیر محیط در ادبیات

آنها بجز کتبی - داروئی، رسم آ، بهر نوعی و بجز در عهد آ می آید  
نایون، زردی، کبریا، انگگون، پسند فووک، خود را در آید

این است تأثیر محیط در افراد آ  
ادبیات نیز یکی از مملوینا مخلوقات طبیعت است که در کشور این محیط با  
عظمت و عظمت بوده در آ جاها چون و چرا مای آید که تنها  
شروع و عمل روح ادبیات همان محیط است و بی دربار اصلاح ادبیات

باید اصلاح محیط برداشت

۲ ۴ ۶

ادبیات امروزه ما که در حقیقت تسمیه در آن انقلابات عظیم و تفکرات  
بزرگ محیط فکری در آن است از چه راه باید گذر کرد؟

ما اگر بخواهیم تعقیب ادبیات کلاسیک خودمان را از دست ندهیم  
باید اتمراف کنیم که در ضمن از امور دقایق و رفتن و موانع آید  
فصاحت خودمان را بخواهیم که آنست از حق بفضی در آوریم. در آدان معاصره  
امروزه بر آید با آنگو آمد و قولین بر آید در آید بر خواهر آید



تأثیر محیط در ادبیات - ۷۰

در ساحت از اثر محیط در سر کلمات و افعال و ارکان دویار طبع میگردد و دو شده در ضمن  
حل شود.

یکی اصلاح معنوی ادبیات  
دیگر اصلاح لفظی ادبیات

در اصلاح معنوی آثار ادبیات در نوشته‌های ادیبان کالات فصیح باید هر دو محیط  
بود و غیر اینکه پس از تأثیر یک محیط مسعد و حکموتانی، بتقلید صاحبان محیط  
حدیثانه شو گوییم، غیر نویسم و آواز بخوانیم - بیایم ما اصلاح محیط  
فرد بپردازیم، اولام و زمانات - در کجا زنی را که مصلحتی مادران در سینه تربیت  
شکست محیط مغرب و فلوکی را را با هم داشت گذاشته اند - فقه رفته در ضمن اصلاح  
فلا کار هر دو مان از زمان بگذشته دیگر آن حقایق ثابت تر و عقاید و افکار  
در گذار بقدری قرار که با حیات امروز ما توافق داشته باشد بگذاریم  
عربی قویتر را که با حیات امروز بیخوشیت و صحن آورد و فضا است مدهانه ای  
در ایام گذشته که ازین بزرگه و محاسن آن که در این نزد سخن و عمل و مدهانه ای  
در کتب علم و فضل بیاور آنرا در هم مردم را دورتر مدنی او در هر دو نامی ...  
گفته می ای اعیان ما ضعیف اندر شما که در این است ما را، دوست ای  
عوز را به تعقیب

تأثیر محیط در ادبیات

عمرات، اصناف، مجازات، آرزو و آرزوی، انشعاب مدار و معانی مراد  
و زمانه، بجهت برابری، ایاد ما زنگنه، اسیر ساز، امده در او آس  
ترویج صنعت و تجارت، انگف فناع زود و غیره، رغبه تا ششم، در ضمن  
این اصلاحات بدون اینکه کسی حس کند یا بچشم در آید، محیط ما رفته رفته  
من محیط و زد بود آرزو و آرزوی، تفسیر خواهد کرد

و در هر سال عمر را که جوان یک تفسیر طبعی  
لازم داریم به حدی که سال تحف دائم و این بیادیم، در صورت معانی  
ادبیات ما همان طور که که ما منتظریم خود نموده خوب و در یکی همان رغبه است  
تقلید و یا به ترقی در تربیت آید همان در افق با یک محیط عالی در نقطه ای  
عزیز است

اما در اصلاحات لغوی، در هر آوازه کلمات و اصطلاحات در اوردن  
و تصحیح فرب و قطع، با بستی نگذاشته که آنچه داریم از دست بود، در اینها بستی  
در کلاسکی نه فوط عمر که بستی با بستی حق الاکان معانی عبده

و اصطلاحات لازمه را که بعد از اصلاحات فوق الذکر کرده شود، با زبان  
عموم، با زبان لغات و اصطلاحات معموله کلاسیکی در صورت انشعاب

تأثیر محیط در ادبیات - یازدهم

دانشمندان لغات کلاسیک، با لغات ریشه دار آریایی و آلامی لغاتی که قسماً با  
 ادیان آشنائی داشته و اخصاً بودن آن میدان روشن نیست، بیان واداد آموز  
 تعلیم و زتی که در غرب و شمالی امری در متون دینی سوزده و طباع عموم بدان  
 رغبت ندارد، فقط یک زنگ در دهر است برابر شنیدن و آینه بر وجه هم با یکی  
 از ادیان دهر و ملل ستمه موافق باشد، چون در این جا حرف و قوه نیست بلکه از  
 آن حرف نظر نمود.

لغاتی که در دست نیامده و در ویستان مصدر موجودند نباید بیان نمود که این لغات  
 در سه دو اصل برگرفته اند که بقال آنرا نمی نامند در ادبیات مکتوب آمده و  
 لغت که تازه از سر حد وارد شد و اخصاً آن بدست آوردند فعلی از مردم از آن لغات

از زبان  
مکتوب

معمول است.  
 ما تا گروهی که بر روز برادران لغت جدید از ملل فائمه با عالمه بنده بر  
 دایره لغات دنیا همواره از این راه وسیع شود لغاتی بی در پی در برگ و صفت دور  
 تا زنج لغات مداومت دارند. تا وقتی که (آر بیس) در ادیان جاری است  
 نمی توان «گردونه آفتاب» را مورد شکر یا مقاله یا حکم را گام در لغات جهان  
 داد. باین گذشته ملت خود را آنرا که مسل دارد یا دیگر [سروطنم ادبیات] است  
 در آن بیس را روابط گرانی حلاوت از ترکیب، تحفیف دائم است  
 «سویل بین» و «القبس» (موقول) و «درد» آخر (ادب) باین آن نان  
 ۲۲۴

تأثیر محیط در ادبیات

دانش آرا از خود بدانه - به نظر آنکه مندرج و در اعتراف فردوسی و نفس سعدی امروزه از این

رفته است ، لغات آلاهم حوازه رفت - [با گفته سیر تصادد دارد]

ارورده این شورا -  
چو سونارش آمد به پنهان گوش + ز جرم گویان بر آید فروغ

نمناخته ، انرا امروزه تیر و کمال معمول نیست بهین علت معنی سونارش هم معنی  
مندی کس هم نمیدانند و صفت آن محتاج هم نیست که بداند ، از کمال را سببی

با جرم گویان صفت آنه - دل لغت . . . (۲۴۴) . آرد و دلان - زینین  
دشمن را خود موهبت . بیان است به آنکه معنی سونارش خوبی و بدی را انضمامه و دواز  
آن عوالتش نمی آید . این شورا که :

سزینین بغیر پیش دلان در افتاد زینین به آرد و دلان

با در آتش هم لغت افسس ادرت همنه و از آن لذت میبرد .

ولی در اینگونه آثار گذشته همان که حاضر تر کلمات بدیهه و معنی سیر این غیر قابل تسنوه  
در اطراف ملت ، آرد دارند ، بواسطه همین قیاس فراموشکاران که از عدم تذکار

ادبا و کمال و نثار معین حاصل می شود ازین نژود و احسان و وطنه در

مراجهت آن آثار همواره تان و در کار نمونانده . داین فراموشی عمومیست

بیه ادوار امروزه، تا وقت که دست از تنه ما را تار نخمه و ضعیفش از روحیه که از آن  
 تازمانه حادثه شود، بی نیاز فیه و محیط را آنقدر با عظمت و جوان و غیر بنایند  
 که از گذشته فراموش گشته در عفو و صیانت لغاتی که آثار ما عظیمه و ما  
 مان لغات تنظیم شد، هر نوع و بایه و آثار جوان و نوزاد خود را بر او همان  
 لغات و اصطلاحات و ادوار و آردند.

اینست روح مرام ما و جوانان با رنگه و دل آردن با بسی با در ک حقایق  
 نامه از این اصل و پریند علم و عمل که بایه در آتیه خودیه آن کوی بر کلا  
 گمان آرد و بسایه آرمایه گورد، رف نمانده و جهات خود که بر ادب و کلاسیکی  
 که نمونانیه بقدر لرزش با بنگدین همراه گشته، انکه روا سدارنه، ما نظوم  
 در قبال نقدین می معنی که آیه از روح ادبایه و تا اثرات محیط و  
 اصیایه و محوسه و گر کفایه، بلکه فرید سدارنه، لزاماً معنی و در اینها می مضایقه  
 گشته تا موازنه حقیقت و عمل و بگرد مصون مانده